



گزارش پایانی برگزاری کرسی ترویجی

- ۱- موضوع و نوع کرسی ترویجی: «جامعه‌شناسی احساس امنیت» / عرضه و نقد ایده علمی
- ۲- محل برگزاری کرسی ترویجی: دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی - دانشکده امنیت ملی
- ۳- تاریخ و زمان برگزاری: روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۳ ساعت ۹:۰۰ تا ۱۲:۰۰
- ۴- اساتید شرکت کننده در کرسی:

ردیف	نام و نام خانوادگی اساتید	ارائه‌دهنده یا ناقد	مرتب و مرکز علمی	مدرک و گرایش علمی
۱	بهرام بیات	ارائه‌دهنده	دانشیار / دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی	دکتری - جامعه‌شناسی
۲	محمد شاه‌محمدی	ناقد	پژوهشگر / دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی	دکتری - جامعه‌شناسی سیاسی
۳	کاظم سام‌دلیری	ناقد	استادیار / دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی	دکتری - جامعه‌شناسی سیاسی

- ۵- نهاد برگزار کننده نشست: دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی (دفتر کرسی‌های نظریه‌پردازی)
- ۶- مدعوین شرکت کننده: جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی
- ۷- گزارش محتوایی کرسی:

۷/۱- دکتر زین‌الدینی (ناظر محتوایی):

با سلام به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج الله تعالی فرجه الشریف) و با درود به شهدای راه حق، آزادی و عدالت به خصوص امام شهدا و با سلام خدمت حضار گرامی، خیر مقدم عرض می‌کنم، خدمت نویسنده کتاب آقای دکتر بیات، ناقدان آقایان دکتر سام‌دلیری و دکتر شاه‌محمدی هم‌چنین دانشجویان حاضر در جلسه. قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم): «نعمتان مجهولتان الصحة و الامان» قدر دو نعمت شناخته نشده: سلامت و امنیت. امنیت یکی از ارکان مهم زندگی اجتماعی انسان است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دشمن بعثی با حمایت ایادی خود با حمله به جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد امنیت مردم را به خطر بیندازد البته با از خودگذشتگی، ایثارگری و شهادت طلبی مردم این توطئه درهم شکسته شد؛ به نحوی که در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان لنگرگاه امنیت در منطقه محسوب می‌شود. امنیت به معنای خاص خود دارای انواع مختلفی است. از جمله امنیت اقتصادی، فرهنگی، شغلی، اجتماعی، سیاسی، جانی و ... که در این بین امنیت پایدار مستلزم تأمین همه انواع امنیت می‌باشد. امنیت به معنای عام از همه مهم‌تر است که اگر آن



خداوند دار شود، پایه‌های سایر انواع امنیت فرو می‌ریزد. هر چند سایر شقوق امنیت نیز حائز اهمیت هستند. از سویی جامعه‌شناسی نیز دارای سطوح مختلفی از جمله زیست‌محیطی، اقتصادی، سیاسی، جمعیت‌شناسی، جنگ و... است. آنچه مهم است این که امنیت با همه عرض و طول آن در جامعه احساس شود و جامعه بتواند آن را لمس و درک کند.

برای تبیین اهمیت و ضرورت امنیت مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

✓ دادن احساس امنیت و آرامش وطمأنینه به مردم در زندگی، چیزهایی نیست که در نظام جمهوری اسلامی به چشم کم‌اهمیت بشود به آن‌ها نگاه کرد. (۱۳۸۶/۸/۲)

✓ بدون احساس امنیت و بدون حضور آرامش و اطمینان، در هیچ کشوری نه علم می‌تواند پیشرفت کند، نه مقامات معنوی و اخلاقی ملتها می‌تواند به آن نقطه مطلوب برسد. دنیا و آخرت را با امنیت می‌توان تأمین کرد. (۱۳۸۶/۸/۱۶)

✓ به موازات پیشرفت‌های گوناگون علمی و سیاسی و افتخارات و عزت ملی که بحمدالله به برکت مواضع انقلاب، ملت ما به دست آورده- در سطح منطقه و در سطح جهانی- به احساس امنیت عمومی در جامعه نیازمندیم. (۱۳۸۶/۸/۱۶)

امید است این نشست علمی بتواند به غنای کتاب مورد نقد بیفزاید. روند اداره جلسه چنین است که در ادامه نویسنده کتاب، ظرف حداکثر ۳۰ دقیقه به ارائه کتاب می‌پردازد. سپس ناقدان نظرات خود را در خصوص کتاب ارائه می‌نمایند. در ادامه سایر حضار چنانچه سؤالی از ارائه‌دهنده یا ناقدان داشته باشند مطرح و در نهایت ارائه‌دهنده مجدداً به سؤال‌ها پاسخ می‌دهد. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد به استقبال ارائه نویسنده کتاب آقای دکتر بیات می‌رویم.

۷/۲- دکتر بیات (ارائه‌دهنده):

جا دارد تشکر کنم هم از دفتر کرسی‌های نظریه‌پردازی، ناقدین محترم و دانشجویان عزیز. این کتاب نتیجه رساله دکتری من است در دانشگاه اصفهان که توسط انتشارات امیرکبیر به چاپ رساندیم و قرار شد در دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی تجدید چاپ شود. بنابراین پیشنهادهایی که در این جلسه مطرح خواهد شد بسیار کمک کننده برای شخص بنده خواهد بود. این کتاب اولین اثر با موضوع جامعه‌شناسی احساس امنیت است. در ۵ فصل تدوین شده، فصل اول مفهوم شناسی امنیت و احساس امنیت؛ فصل دوم احساس امنیت و متغیرهای مرتبط با آن؛ فصل سوم چارچوب نظری احساس امنیت؛ فصل چهارم تجزیه و تحلیل وضعیت احساس امنیت و نهایتاً فصل پنجم راهبردهای پیشنهادی. رابطه بین امنیت و احساس امنیت بر اساس مدل آرمانی می‌توانیم ۹ نوع جامعه داشته باشیم. اما در حالت طبیعی معمولاً نمی‌توانید جامعه‌ای ببینید که در آن هم امنیت بالا باشد و هم احساس امنیت. یک طیف داریم که یک سر آن امنیت کامل و سر دیگر آن ناامنی کامل می‌باشد. امنیت کامل زمانی بوجود می‌آید که هم احساس امنیت و هم امنیت بالا است و ناامنی کامل زمانی است که هر دو، امنیت و احساس امنیت پایین است. بین این دو ترس امنیتی و نگرانی امنیتی، نارضایتی امنیتی، احساس امنیت قابل قبول وجود دارد. نکته بعدی که در نظریات جامعه‌شناختی دنبال احساس امنیت می‌گشتم، بالاجبار می‌بایستی بین ۴ مفهوم رابطه منطقی پیدا می‌کردم. اولین مفهوم بحث انضباط است. انضباط آن الگوهای رفتاری است که در یک سطح انتزاعی‌تر یعنی نظم قرار دارد. وقتی نظم ایجاد شد به نوعی بنیان‌های امنیت شکل می‌گیرد و پس از این مرحله، احساس امنیت بوجود خواهد آمد. ممکن است در جامعه‌ای امنیت پایین باشد ولی رسانه‌های جمعی به شما القا کنند که این عین امنیت است. در بخش چارچوب نظری ۳ حوزه یا ۳ پارادایم را در حوزه احساس امنیت مورد بررسی قرار دادم. رویکرد مطالعات امنیتی که تمرکزش بر دولت، قدرت و دولت-ملت‌هاست. رویکرد جامعه‌شناختی که به ساختارها و محیط اجتماعی توجه دارد. احساس امنیت مفهومی است که می‌توانید در هر یک از این ۳ حوزه آن را پی‌جویی کنید و چارچوب‌ها را پیدا کنید. در رویکرد مطالعات امنیتی با ۲ بخش



سنتی و مدرن مواجه هستیم. در بخش سنتی نقطه نظرات متفکرانی چون افلاطون، هابز و... وجود دارد. در بخش مدرن (رویکرد اجتماعی شده) که عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد، کشورهای اروپایی به نوعی آن هسته‌های جمعیت خودشان را از دست دادند و گرفتار قومیت‌های غیر بومی شدند. در این بخش تهدیدات بیرونی مبتنی است بر یک مفهوم دیگر تحت عنوان قدرت نرم یا رضایتمندی، این موضوع هسته اصلی در بحث مربوط به احساس امنیت است. اما در رویکرد جامعه شناختی با مکاتب و نظریه پردازان روبرو هستیم. مکاتب عبارتند از کارکردگرایی، کنش متقابل نمادین، روش‌شناسی مردمی و مکتب انتقادی، در واقع این ۴ مکتب هم به رئالیسم امنیتی توجه دارند و هم به ایده آلیسم امنیتی. رئالیسم امنیتی، منظور این است که احساس امنیت مفهوم و تصویری است که در ذهن کنشگر وجود دارد نه بیرون از آن. مثلاً در پارک دانشجوی تهران این مفهوم و تصور در ذهن اعضای جامعه وجود دارد که این پارک محل عبور و تردد دوجنسی‌هاست، در حالیکه شاید اینگونه نباشد. اما همین ذهنیت باعث می‌شود که خیلی از افراد از ورود به این پارک خودداری کنند. در احساس امنیت برخلاف امنیت با ذهن سروکار داریم نه واقعیت. نظر دیگران به لحاظ ذهنی در مورد یک پدیده خاص چیست؟ یا مثال دیگر این است که به نظر شما در قبرستان ترس و ناامنی بیشتری وجود دارد یا یک کوچه تنگ و تاریک؟ قطعاً قبرستان محل دفن افرادی است که هیچ مزاحمتی ندارند (به لحاظ واقعی) اما مردم از قبرستان ترس بیشتری دارند. چرا؟ چون همان ذهنیت و احساس ناامنی در مورد مکان قبرستان در ذهن کنشگر وجود دارد. بنابراین احساس امنیت با احساس و ذهنیت افراد کار دارد نه واقعیت عینی. روش‌شناسی مردمی با کنشی که مردم در کوچه و خیابان انجام می‌دهند سروکار دارد. کنش متقابل نمادین تفسیر وضعیت را مورد توجه قرار می‌دهد. مکتب انتقادی به صنعت و فرهنگ توجه می‌کند. نظریه پردازان در مکتب انتقادی وجود دارد به نام هابرماس، نظریه ایشان تحت عنوان مدل کنش ارتباطی مطرح شده است. می‌گوید هر چقدر بیشتر در مورد یک موضوع ارتباط و مباحثه داشته باشید، امکان به توافق رسیدن بسیار زیاد است. این کنش ارتباط و گفتگو و سخن از کجا آغاز می‌شود؟ اینکه به لحاظ ذهنی شما از فضای موجود چه انتظاری دارید و متقابلاً دیگران به لحاظ ذهنی چه انتظاری از شما دارند همین مبنایی می‌شود برای نوع ارتباط شما با دیگران. ایشان می‌گوید علاوه بر آنچه گذشتگان گفتند که انسان حیوانی است ناطق و به ویژگی ابزارمند بودن انسان اشاره می‌کند، معتقد است ما باید به قدرت ارتباطی انسان توجه کنیم و این مورد را هم اضافه کنیم که نقش بسزایی در بحث مربوط به احساس امنیت دارد. گیدنز جامعه‌شناس انگلیسی نیز معتقد است که جامعه باید بتواند به چند سوال اساسی پاسخ مناسب بدهد: ۱- من که هستم؟ ۲- سوال مربوط به روابط با اشخاص دیگر ۳- سوال مربوط به رابطه انسان با خارج ۴- سوال مربوط به هستی‌شناسی. گیدنز می‌گوید ما هرچه جلوتر می‌آییم، ابهام در مورد این سوالات بیشتر می‌شود. این پیچیدگی در سوال‌ها، نظام‌های مجرد را ایجاد می‌کند. مورد بعد، شخصی است به نام بوردیو که از مفهومی تحت عنوان شناسایی غلط صحبت می‌کند. در حقیقت جدل بین دو طرف قضیه که منجر به شناسایی غلط شده در نهایت موجب احساس ناامنی در بین افراد خواهد شد. در زمینه نزاع‌های خانوادگی یا کلان آن نزاع‌های سیاسی می‌توانیم همین موضوع را به وضوح مشاهده کنیم. مطلب مهم و قابل توجه دیگری که وجود دارد، بحث پرداخت رسانه‌ای است. یعنی رسانه به شدت می‌تواند در شکل‌گیری احساس امنیت یا نقطه مقابل تخریب آن موثر و کارساز باشد. رسانه می‌تواند یک را هزار یا برعکس جلوه دهد. من به همین بحث چارچوب نظری اکتفا می‌کنم چون پایه این کتاب همین نظریات است و در ادامه از نقطه نظرات دوستان استفاده خواهم کرد.

۷/۳- دکتر کاظم سام‌دلیری (ناقد اول):

عرض سلام دارم خدمت دوستان و خسته نباشید خدمت دکتر بیات. بحث نقد کتاب می‌تواند جنبه آموزشی برای دانشجویان هم داشته باشد. تصور غلطی بین دانشجویان رواج دارد که اثری که مورد نقد قرار می‌گیرد، اثری بی ارزش است. در حالیکه برعکس اثری



که دیده شده و خوانده شده به طور معمول مورد نقد قرار می‌گیرد. وقت گذاشته شده جهت فهم مطالب، پس این اثر با ارزش است. کتابی که اکنون مورد نقد قرار می‌گیرد مربوط به ده سال قبل و مرتبط با رساله دکتری جناب بیات است. مطمئناً اگر ایشان امروز با توجه به فهم و بلوغی که پیدا کردند می‌خواستند این کتاب را نگارش کنند به شکل متفاوتی می‌نوشتند. انواع کتاب‌ها سه دسته هستند: آموزشی، پژوهشی و ترکیبی. کتاب‌های آموزشی یک مفهوم یا موضوع را محور قرار می‌دهند و حول آن بحث می‌کنند، چون می‌خواهند یک مفهوم را به مخاطب بشناسانند. کتاب‌های پژوهشی اساساً برای حل یک مساله نوشته شده و مستقیم سر اصل مطلب می‌روند و نهایتاً کتاب‌های ترکیبی تلفیقی از این دو موضوع است. سعی می‌کنم در رابطه با کتاب مطرح شده مطالبی که به ذهنم خطور کرده بیان کنم:

- توضیحات بخش تعریف امنیت، بین امنیت و احساس امنیت در رفت برگشت است/ تعریف امنیت در صفحه ۱۴ تعریف احساس امنیت است (به شرایط ذهنی توجه دارد).

- سطوح امنیت (ص ۲۰ به بعد) انواع امنیت است، در ضمن توضیحات مبهم می‌باشند مثلاً تفاوت امنیت داخلی از امنیت ملی مشخص نیست (ص ۲۱)

- در بخش «شاخص‌ها و مولفه‌های احساس امنیت» (ص ۲۶) مولفه‌های امنیت اجتماعی مطرح می‌شوند و انواع دیگر امنیت مغفول مانده‌اند.

- در فصل دوم رابطه‌ای قطعی میان نظم و امنیت برقرار شده است (ص ۳۴) اما: ۱- نظم از نگاه چه کسی؟ ناظر یا بازیگر؟ ۲- معنای نظم چیست؟ (ص ۳۲) ۳- آیا منابع احساس ناامنی تنها بی‌نظمی است؟ و...

- در بخش‌های: اعتماد و احساس امنیت (ص ۴۰ به بعد)، «مشارکت و احساس امنیت» (ص ۴۶ به بعد) تأکید بحث بر مفاهیم اعتماد و مشارکت است و ربط آن‌ها با امنیت و احساس امنیت مشخص نیست.

- در فصل دوم: متغیرها و مفاهیم: اعتماد، مشارکت، تأمین اجتماعی، شهر، رسانه و هویت مورد بررسی قرار می‌گیرند و به صراحت یا تلویح، تاثیر آن‌ها بر امنیت و احساس امنیت بحث می‌شود، اما با چه منطقی این متغیرها انتخاب شده‌اند و چرا؟

- فصل سوم (چارچوب نظری) چارچوب نظری برای چیست؟ اساساً مسئله‌ای که قرار است چارچوب نظری آن را تبیین کند چیست؟ در تحقیق مسئله‌ای طرح نشده است.

- فصل سوم با بحث رویکردهای مطالعات امنیتی شروع می‌شود، همان‌گونه که پیدا است بحث مربوط به رویکردهای امنیت (یا رویکردهای مطالعه‌ی امنیت) است نه رویکردهای احساس امنیت (آن‌گونه که نام فصل ادعا دارد: چارچوب نظری احساس امنیت تأکید بحث بر امنیت و انواع آن و رویکردی بر امنیت است نه احساس امنیت).

- فصل سوم ویژگی چارچوب نظری را ندارد، بیشتر شبیه پیشینه و ادبیات است. در این فصل مناسب بود انواع احساس ناامنی و عوامل موثر بر آن‌ها و چگونگی تاثیر (مکانیزم‌ها) به بحث گذاشته شود. (این فصل هم آموزشی است).

- در بخش مکاتب جامعه‌شناسی: مکتب کارکردگرایی، کنش متقابل نمادین، روش‌شناسی مردمی و... ربط بحث با احساس امنیت و مکانیزم و تاثیر عوامل مورد بحث بر احساس امنیت (و در برخی موارد خود امنیت) مشخص نیست.



- غالب نظریه‌های مورد استفاده در این فصل ربط مستقیم (و یا حتی غیر مستقیم) به مفهوم احساس امنیت ندارد بلکه برداشت نویسنده از نظریات دیگران است. خوب به موضوع احساس امنیت ربط پیدا نکرده‌اند. با این توضیح هدف ارائه شده در مقدمه (ص ۱۰) که کتاب قصد آزمون انطباق پذیری نظریه‌ها در ایران را دارد، غیر موجه می‌شود. زیرا هیچ نظریه به آزمون گذشته نشده است.
- مناسب بود این فصل به بحث احساس امنیت متمرکز می‌شد، اگر امنیت افراد به حوزه‌های: اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی، زیست محیطی مربوط است پس احساس امنیت هم در حوزه مجزا باید بررسی شود.
- در ص ۱۳۸ یک مدل مفهومی آمده که باید بسط و توضیح داده شود.
- در بخش چارچوب نظری باید مساله تبیین نظری شود که این‌گونه نشده است.
- بسیاری از متغیرهای موجود در مدل (ص ۱۳۸) در فصل چارچوب نظری به آن‌ها اشاره‌ای نشده است.
- فصل چهارم: مفاهیم و متغیرهایی که قرار است به تجربه در بیانند عملیاتی نشده‌اند لذا گویه‌هایی که با آن‌ها این مفاهیم مورد سنجش قرار گرفته‌اند، مشخص نیستند پس درباره این فصل نمی‌توان اظهار نظر کرد. (مفاهیم و متغیرها عملیاتی نشده‌اند)
- گویه‌های ارائه شده برای سنجش احساس امنیت (ص ۱۶۲) مناسب برای سنجش این متغیر نیستند اگر احساس امنیت عملیاتی می‌شد (تعریف عملیاتی، تعیین انواع و ابعاد و...) گویه‌های دیگری می‌شد استفاده کرد.

۷/۴ - دکتر محمد شاه محمدی (ناقد دوم)

- ضمن تشکر از جناب دکتر بیات مولف محترم و دفتر کرسی‌ها که زحمت برگزاری را کشیدند و تشکر از دوستان دانشجو در دانشکده امنیت. چون خیلی از مطالب را دکتر سام‌دلیری مطرح کردند من از برخی موارد عبور می‌کنم. نظر شخصی بنده این است که خوب نیست رساله تبدیل به کتاب شود. بهتر است که رساله همان رساله باقی بماند. چون مطالب یک رساله معمولاً جهت گذراندن یک مقطع نگارش شده و از استحکام و انسجام کافی و وافی برخوردار نیست. کتاب نقاط قوت زیادی دارد که نمی‌توان به سادگی از آن گذشت اما با این وجود نکاتی وجود دارد که توجه به آنها می‌تواند به غنای مطالب آن بیفزاید:
- مهم‌ترین نیاز جامعه، تامین امنیت جامعه و افراد آن است. آیا افراد از جامعه جدا هستند؟ و اساساً مگر امنیت جز برای افراد است که بخواهیم امنیت جامعه و افراد را از هم جدا کنیم؟ (ص ۱۱ سطر ۲)
 - کلمات خیلی خوب به کار نرفته است. مثلاً تعمق برای عمق بخشیدن به یک کاری، فکری یا هر چیزی به کار می‌رود ولی در سطر سوم از احساس امنیت احساس امنیت به عنوان در فرد جامعه شناسی مورد تعمق قرار دارد. (مورد توجه صحیح است)
 - احساس امنیت چیست که باید با ناامنی مرضی تفکیک شود؟ (ص ۱۴)
 - مطالب سطر دوم احساس امنیت (ص ۱۴) مجدداً در سطر سوم (ص ۱۵) تکرار شده است.
 - تعریف امنیت و احساس امنیت در این کتاب مشخص نشده است.
 - کتاب نیاز به ویراستاری علمی و ادبی دقیق دارد. مثلاً در همان ابتدا در سطر ۵ پاراگراف دوم در مقدمه با این توسعه ادبیات و مطالعات انجام شده، کلمه (این) اضافه است. یا استقلال موضوعیت غلط است. استقلال موضوع صحیح است.



- امنیت آن روی سکه تلقی نمی‌شود، شما که از سکه‌ای صحبت نکرده‌ای که دوری آن چیست؟ که این روی بد سکه باشد! (سطر ۶ همان پاراگراف)
- استقلال موضوعیت غلط است. استقلال موضوع صحیح است.
- «احساس امنیت فراتر از ادبیات نظری خود امنیت است» در سطر چهارم پاراگراف دوم مقدمه آمده دقیقاً در سطر ۹ همین پاراگراف دوباره ذکر شده است.
- فصل سوم نسبت به سایر فصل‌ها در مقدمه بیشتر تشریح شده، از تعادل برخوردار نیست.
- فصل پنجم به تجزیه و تحلیل راهبردهایی برای توسعه و ارتقاء سطح امنیت پرداخته در حالی که تجزیه و تحلیل انجام شده با راهبردهای ارائه شده رابطه ندارد.
- رفرنس بعضی مطالب آورده نشده است. سطر دوم ص ۱۱ معنای لغوی از کیست؟
- معادل لاتین کلمات در زیر نویس نیامده است ص ۱۱ سطر آخر و سایر موارد در کتاب
- بعضی منابع در متن هست که در فهرست منابع نیامده است.
- اعداد رفرنس‌های متن لاتین است.
- امنیت که مبنای کار شماست از منظر چه صاحب نظری تعریف شده که سند آن در منابع نیست.
- (همان) در صفحه ۱۵ به کدام منبع بر می‌گردد.
- غلط‌های املائی وجود دارد. به طور مثال تمام عیار، تمام معیار در ص ۲۰ ذکر شده است.
- مطالب ص ۲۵-۲۶ از چه منبعی ذکر شده است.
- ترتیب و توالی مطالب نیاز به اصلاح دارد. زمانی که از امنیت صحبت می‌کنید بایستی به همه مطالب مربوط به ویژگی، سطوح، ابعاد و غیره اشاره کنید، سپس به انواع امنیت عینی و ذهنی که همان احساس امنیت است بپردازید. (ص ۱۸)
- ویژگی‌های امنیت درص ۱۸، ۱۹، چرا فقط دیدگاه دکتر دلاور ذکر شده؟ ضمن این که این منبع در منابع و ماخذ نیست. بهتر بود از چند صاحب نظر، ویژگی‌ها ذکر می‌شد و بند ۶ که مربوط به بحث شما می‌شد.
- بهتر است ابتدا سطوح امنیت بحث شود سپس به ویژگی‌های آن پرداخت شود.
- آیا سطوح امنیت، امنیت ملی و عمومی و داخلی است؟ (ص ۲۰) امنیت عمومی و داخلی خود زیر مجموعه امنیت ملی است و سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است ضمن این که اشاره نشده کدام یک از صاحب نظران متاخر حوزه امنیت این موارد را گفته‌اند.
- مطالب مربوط به سطح امنیت داخلی: امنیت حاکمیت سه بار پی در پی تکرار شده و به لحاظ ادبی و علمی مناسب نیست.
- جدول ص ۲۳ سطوح امنیت: در حال حاضر اولاً امنیت ملی در ۶ سطح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی- دفاعی و فهرست محیطی بحث می‌شود. ضمن این که اصلاً امنیت ملی، دفاعی و نظامی نیست امروزه و حتی بیش از دو دهه است که مسائل اقتصادی و اجتماعی بعد از ۱۹۹۱ و فروپاشی شوروی حتی مسائل اجتماعی، تأثیراتش ارتش بر امنیت ملی بیشتر شده است.



- جدول ۲-۱ از آقای قالیباف از کجای متن احصاء شده است؟

- شکل صفحه ۲۳ در خصوص ابعاد امنیت از کجا آمده است چرا شماره ندارد؟

- ص ۲۷ نتایج انقلاب اسلامی که نگاهی است به امنیت، آزادی و عدالت بهتر است اشاره شود. مطالب شما به ذهن متبادر می‌کند که انقلاب فقط بحث امنیت را مهم می‌داند.

- مطالب ص ۲۶-۳۱ از کدام منبع است (همان) به کدام منبع بر می‌گردد. ضمن این‌که ترتیب و توالی مطالب مربوط به امنیت و احساس امنیت بایستی اصلاح شود.

- شاخص‌ها و مولفه‌های احساس امنیت که در ص ۲۶ به بعد دنبال آن هستید، این موارد کدام مولفه است و کدام شاخص می‌باشد به نظرم بایستی تفکیک کنید. چرا که بعضی موارد مثل رسانه نه مولفه است و نه شاخص.

- این مطلب که بین جامعه دارای نظم و امنیت نسبت معقولی بین خواسته‌های شهروندان ایرانی از یک سو و کارآمدی نظام از سوی دیگر وجود دارد، اینگونه نیست. چون در کره شمالی نظم و امنیت هست ولی نظام کارآمد و خواسته شهروندان معقول نیست چون که مردم اجازه ندارند بیش آنکه دولت تعیین نکرده خواسته داشته باشند.

- بند ۶ ص ۳۴. پایین بودن میزان ناهنجاری‌ها و... از چه منبعی است؟

- در صفحه ۳۶ در خصوص پیامدهای امنیت در اجتماع، متن برای عدم امنیت تیتراژ لازم دارد ولی ادامه همان مطالب نوشته شده است.

- در بند دوم عدم امنیت (ص ۳۶) از امنیت هستی شناختی صحبت می‌شود در حالی که از آن صحبتی به میان نیامد و خواننده ناگهان با یک اصطلاح جدید روبرو می‌شود.

- شکل ص ۳۷ چه رابطه‌ای را بین انضباط، نظم، امنیت و احساس امنیت نشان می‌دهد؟

- وقتی مطلبی از قول یک صاحب نظر مطرح می‌کنیم باید منبع آن هم از کتاب ایشان یا مترجم ارائه شود. مطالب ص ۳۹ از کلمن هر بند از چهار مورد نظر ایشان از یک منبع ذکر شده در صورتی که این چند بند باید باهم باشند

- در ص ۳۹ و ۴۰ به بحث سرمایه اجتماعی پرداخته‌اید در پارگراف چهارم ص ۴۰ هنوز مطالب در بحث تحقیق ارائه شده است.

- آیا نیاز است تعریف اعتماد و انواع است آورده شود؟ ضمن اینکه منبع آن هم در منابع و ماخذ نیست.

- مطالب صفحه ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ مربوط به اعتماد است که اولاً خیلی زیاد است دوماً خیلی از مطالب منبع ندارد.

- مطالب مربوط به انواع اعتماد صمیمانه و تعمیم یافته دوباره در صفحه ۴۳ تکرار شده است.

- در رفرنس‌دهی‌ها بایستی برای منابع خارجی با سال میلادی باشد بعضی جاها رعایت شده بعضی جاها رعایت نشده است.

- مطالب مربوط به مشارکت اجتماعی و امنیت در نهایت نتیجه نمی‌دهد که چگونه مشارکت اجتماعی باعث ایجاد احساس امنیت می‌شود. (ص ۵۰)



- آیا خود با هویت یکی است؟ هویت به مسائل شخصی و گروهی می‌پردازد، در حالی که خود اینگونه نیست. تشخیص معادل هویت گرفته شده (ص ۵۱) ضمن اینکه در حوزه خود نظریه‌پردازان زیادی به خصوص در حوزه‌های آموزشی به آن پرداخته‌اند ولی شما تمامی مطالب را از گیدنز در دو صفحه ارائه داده‌اید.
- رابطه احساس امنیت با امنیت اجتماعی در خیلی از جاهای کتاب با هم به کار رفته آیا این دو باهم ربطی دارند؟ امنیت اجتماعی چگونه در این جا تعریف شده که با احساس امنیت یکی شده است؟ (ص ۵۳)
- در ص ۵۵ از رابطه رسانه‌های جمعی و جرایم صحبت نموده‌اید اولاً این مطلب به صورت بهتر در ص ۵۳ از قول هانری روبرت وکیل دادگستری گزارش شده ولی مطالب ص ۵۵ مطلب خاصی در خصوص جرایم و رسانه‌ها ندارد
- نظریه‌های تاثیر رسانه‌ای: آیا با توجه به عنوان کتاب اصلاً نیاز است؟ (ص ۵۶) اگر نیاز است آیا فقط همین چهار مورد است؟ ضمن این‌که مسئله‌ی ماریپیچ سکوت اصلاً ربطی به احساس امنیت ندارد. چون احساس امنیت موضوع درونی است وقتی قادر نیستید نظرات خودتان را بیان کنید پس احساس امنیت نمی‌کنید و جای این نظریه این جا نیست. بهتر است از دیدگاه‌های دیگر استفاده شود.
- از ص ۵۲ تا ۵۹ در خصوص رسانه‌ها و احساس امنیت است تیتراها به نیاز به اصلاح دارند.
- نقش رسانه‌ها در احساس امنیت (ص ۵۷) با مطلبی شروع می‌شود که نشان دهنده‌ی آثار منفی رسانه است و با عنوان یا تیترا مطلب هم‌خوانی ندارد.
- ص ۵۹ اشاره شده به این پژوهش در حالی که کتاب باید باشد.
- ص ۶۰ شاخص‌های رفاه اجتماعی از دیدگاه دو صاحب نظر آمده نباید شماره آن‌ها دنبال هم باشد.
- ص ۷۷، به امنیت عمومی پرداخته‌اید در جای دیگر به امنیت اجتماعی و در همین صفحه به امنیت اجتماعی شده و امنیت جامعه محور، رابطه این موارد با احساس امنیت چیست؟
- چرا بحث امنیت در تمامی حوزه از آقای افتخاری فقط استفاده شده است در صورتی‌که خود آقای افتخاری نیز از دیگران ذکر نموده است ضمن این‌که آوردن این همه مطلب از یک منبع به نظر صحیح نیست. (ص ۷۱ تا ۸۱)
- در صفحه ۸۳ و ۸۷، بیشتر مطالب مولار و ویور را آورده‌اید و به امنیت اجتماعی پرداخته‌اید آیا احساس امنیت را معادل امنیت اجتماعی، امنیت عمومی و یا امنیت داخلی می‌دانید؟ کتاب نتوانسته تکلیف خود را روشن کند و مشخص نماید به دنبال چیست؟
- در ص ۸۵ ویور در کتاب امنیت اجتماعی..... رقابت عمومی، صحیح است یا رقابت عمودی درست است؟
- معادل کلمه‌های به کار برده شده در فرمول اعتبار زیر نویس شود. (ص ۸۷)
- پیشنهاد می‌کنم الف و ب را در خصوص امنیت از ص ۷۰ و ۸۷ بردارید زیرا خواننده پس از ۱۷ صفحه ناگهان مواجه می‌شود باید برگردد ببیند الف چه بوده است.
- مفهوم خود را در ص ۵۰ تحت عنوان احساس تشخیص (هویت) توضیح داده‌اید مجدداً دیدگاه مکتب کنش متقابل نمادین را با همان موضوع در ص ۹۳ تکرار می‌کنید و به آن می‌پردازید بهتر است یکی از این دو مقوله مد نظر قرار گیرد.



- جمله (ص ۹۵) در بند کنش و کنش متقابل اصلاح ادبی نیاز دارد.
- اگر برای مکتب کارکردگرایی شماتیک رسم می‌کنید بهتر است برای سایر مکاتب نیز این کار انجام شود. (ص ۹۶)
- دیدگاه‌های دورکیم که در حوزه جامعه‌شناسی ارائه شده، بهتر است در فصل دوم که به نظم پرداخته، آورده شود. (ص ۹۸)
- در نظریه دورکیم در پایان پاراگراف دوم، ناگهان به خودکشی اشاره شده و یک شکل از (۵-۳) ایشان براساس نظر ویتنی پوپ ارائه شده ولی ربطی به خودکشی ندارد.
- دو نمودار (ص ۱۰۰) ارتباطی با مطالب پایان (ص ۹۹) ندارد. از خودخواهی و دگرخواهی صحبت شده ولی تفسیر زیر آن به خودکشی پرداخته است.
- در ذیل دیدگاه ماکس وبر: ارتباطش با بحث احساس امنیت چیست؟
- شکل (۷-۳) آیا برداشت محقق و نویسنده محترم است یا از جایی آمده است. (ص ۱۰۱)
- کلمات عامیانه زیاد در کتاب به کار رفته است. (ص ۱۰۲ و ۱۰۳)
- تمامی مطالبی که از پارسونز ارائه شده به جز یک پاراگراف بقیه بدون منبع می‌باشد. در پاراگراف آخر ص ۱۰۳ گفته شده براساس مدل فوق از نظر پارسونز که مدلی وجود ندارد.
- مدل ص ۱۰۴ هم بدون منبع می‌باشد.
- نداشتن عدد گزاری تیتراها مشکلی است که کتاب از آن رنج می‌برد.
- مطالب گیدنز برعکس سایرین بسیار طولانی و چند تیترا زیر آن آمده که ارتباطش با نظریات گیدنز مشخص نشده است. (ص ۱۰۸ و ۱۱۲)
- شکل (۱۰-۳) چه روابطی را نشان می‌دهد؟ مدل احساس ناامنی وجود گیدنز (ص ۱۱۲) شکل پایینی شماره ندارد؟
- مطالبی که در ادامه دیدگاه‌های پاتریک (ص ۱۱۳) آمده هیچ ارتباطی با آن برقرار نشده است.
- مطالبی که در خصوص مدرنیته و پست مدرنیته: برخلاف نظر مدرنیته‌ها اعتقاد به پایان مدرنیته اول دارد و با پشت سر گذاشتن نظام سرمایه‌داری کارخانه‌داری به عصر پیشرفت صنعتی می‌رسد، جمله نارسا و بی‌مفهوم است. (ص ۱۱۷)
- در جایی که نظرات بوردیو را بحث می‌کنید مدل احساس ناامنی گیدنز را ارائه داده‌اید در حالی که در پایان نظرات گیدنز هیچ مدلی ارائه نشده است. ضمن اینکه مدل فاقد عدد و منبع است. (ص ۱۱۹)
- پاراگراف سوم (ص ۱۲۷) بایستی قبل از تقسیم نیازها اشاره شود که این نیازها از نظر او اینگونه تشریح شده است.
- در ص ۱۲۸ چرا بعد از مطالبی که از فروم آورده شده مجدداً نظریه هررنای ارائه شده است؟
- مطالبی که در شکل (۱۳-۳) آورده شده در متن وجود ندارد.
- افزایش احساس ناامنی وجودی در دنیای جدید، بروز عدم ثبات روانی و اختلال در شخصیت اجتماعی افراد، اختلال در روابط اجتماعی بین افراد و وجود آنومی اجتماعی، در متن نیست.



- مدل نظری احساس امنیت (ص ۱۳۸) ویژگی های فردی و خانوادگی از کدام بخش کتاب گرفته شده است؟
- طبقه اقتصادی - اجتماعی از کجای متن احصاء گردیده است؟ (ص ۱۳۸)
- فرق جدول ۸-۴۱ با ۹-۴ چیست؟ داده داخلی آنها یکی است و پاسخها دوتا است. (ص ۱۴۶)
- توضیحات جدول ۴-۱۴ و ۴-۱۵ نامفهوم است. (ص ۱۵۱)
- سطح تامین اجتماعی به چه مفهومی است؟ (ص ۱۵۲)
- جدول ۴-۱۹ نیاز به بررسی بیشتری دارد. (ص ۱۵۵)
- در جدول ۴-۲۵ آیا ناامنی جانی و مالی نوعی ناامنی عمومی نیست؟ این شاخص، مولفه است و گویههایی دارد که با تحلیل می توان به آن رسید که ناامنی عمومی داریم یا خیر؟
- بهتر است قسمت آماری حذف شود یا آنکه حداقل قسمت هایی مثل مدل های ص ۱۶۹ تا ص ۱۷۳ که برای یک شخص مطالعه کننده کتاب اندوخته ای ندارد، حذف گردد.
- ادعا کرده اید که بین رضایت از بیمه و احساس ناامنی رابطه ای نیست. آیا با واقعیت همخوانی دارد؟ کسی که بیمه ندارد اگر بیمار شود در پایان عمر اگر تصادف کند، احساس ناامنی یا داشتن آنها احساس امنیت به دنبال ندارد؟ (ص ۱۷۶)
- در ادامه بحث بالا، نبود رابطه بین تامین اجتماعی و احساس ناامنی آمده است و نداشتن رابطه را بحث کرده است. این موضوع هم نشان می دهد که چون تعریف مشخصی از احساس امنیت صورت نگرفته گزینه ها نیز براین اساس تنظیم نشده است.
- در خصوص ارتباط انتظار از کیفیت عملکرد پلیس هم مانند بند بالا می باشد.
- اثر پروانه ای که در صفحه ی ۱۸۰ آورده اید. ضمن اینکه این بخش نتیجه گیری است، اگر مطالبی در خصوص کتاب دارید در همان قسمت خودش بیاورید.
- در پایان بحث فصل ۴ سئوالات ارائه شده، زیاد با واقعیت همخوانی ندارد.
- پیشنهادات پژوهشی بایستی حذف گردد و از عنوان پژوهش هم استفاده نگردد. (ص ۱۸۵)
- در قسمت راهبردها به طور کلی بایستی براساس مطالب متن کتاب باشد، که نیست. برای مثال در حوزه سرمایه اجتماعی مشکل اساسی هویت شخص بوده ولی شما به آگاهی پرداخته اید.
- عنوان راهبرد بهتر است به کار برده نشود زیرا راهبرد باید دارای هدف، روش و وسیله باشد در حالی که راه کارها را ارائه نموده اید.
- در منابع فهرست بعضی از کتابها و ماخذ ذکر نشده است.
- بعضی از نمایه ها نیز در محل های ذکر شده نیست. مثل ربانی ۱۹۸، لوفبر ۶۴

جمع بندی:



- با آن که در حوزه احساس امنیت از سال‌های دهه‌ی ۶۰ میلادی نظریه‌پردازی شده ولی در کتاب مورد استفاده قرار نگرفته از طرفی به آیات و روایات و بیانات امام (ره) مقام معظم رهبری پرداخته است. چون حوزه معنوی خود یکی از عوامل اصلی احساس امنیت در فرد می‌باشد جایی که فرد احساس تنهایی می‌کند، دست به دعا بر می‌دارد.

- نویسنده تعریف خود را از احساس امنیت ارائه ننموده است.

- در مقدمه ادعا شده این تحقیق در جامعه ایران (شهر تهران) به آزمون انطباق پذیری نظریه‌ها در ایران پرداخته در حالی که این کار شکل نگرفته است و فقط ۵ منطقه را در تهران بررسی نموده در حالی که علت این که سایر مناطق مدنظر قرار نگرفته مشخص نیست.

دکتر زین الدینی:

- ۱- اگر یک تعریف عملیاتی از مفهوم احساس امنیت به همراه شاخص‌ها و مولفه‌های آن صورت گیرد خیلی راحت‌تر مخاطب مطلب فهم خواهد کرد. در واقع مرز بین احساس امنیت و احساس ناامنی کجاست؟
- ۲- در کتابی که مستخرجه از پایان نامه است متداول نیست جداول و نمودارها به همان شکل که در تحقیق آمده، آورده شود.
- ۳- معمولاً فصل آخر کتاب به سخنان مولف اختصاص دارد که در حقیقت نتیجه‌گیری نهایی در آن بیان می‌شود.
- ۴- اگر به راهبرد اشاره می‌شود باید موارد احساس ناامنی در جامعه زمان تألیف کتاب برشمرده شود (وضع موجود).
- ۵- راهبردها را از جنس راهبرد نیست. چنانچه راهبردی ارائه شده بر اساس چه روشی احصا شده است؟

دانشجو مددی:

در اینگونه جلسات اگر کتاب یا فایل به ما داده شود که بتوانیم آگاهی قبلی راجع به موضوع و مطالب آن داشته باشیم مناسب‌تر است.

دانشجو فرح بخت:

نکته‌ای که خدمت دکتر بیات عرض می‌کنم اینست که من جای پای محکمی از دین، آیات و روایات و نظریه پردازان اسلامی در لابلای مباحث کتاب ندیدم. همچنین در قسمت راهبردها هم به این موضوع پرداخته نشده بود.

دانشجو محبت خانی:

به نوبه خودم تشکر می‌کنم که فرصتی شد تا ما هم در این جلسه شرکت کنیم و بسیار مفید فایده خواهد بود. چون کاربردی کار شده تا تئوری. مورد بعدی این است که ما جایی نداریم که نظم وجود نداشته باشد و امنیت داشته باشیم. پس رابطه بین نظم و احساس امنیت مستقیم است. در حالیکه به زعم دکتر شاه‌محمدی و سام‌دلیری هر نظمی لزوماً امنیت به همراه خود ندارد.

دکتر سام‌دلیری: مشکل اینجاست که ما تعریفی از نظم نداریم. شما یک تعریف از نظم دارید و من تعریفی دیگر. ضمن اینکه نظم از دیدگاه ناظر با نظم از دیدگاه بازیگر متفاوت است. احساس امنیت برداشت بازیگر از وضعیت است نه برداشت ناظر.

دانشجو رضایی:

نظم هرگونه که باشد (چه عادلانه چه ظالمانه) میزانی از امنیت در جامعه با خود به همراه خواهد داشت. چنانکه مردم عراق در زمان حکومت صدام که رفتار ظالمانه‌ای داشت، چنین احساسی داشتند. بحث دیگر این است که در تعریف نقد گفته شده نقد هم ایجابی است و هم سلبی. آیا واقعاً نکته مثبتی جهت دفاع در کار دکتر بیات وجود نداشت که به آن اشاره کنید؟ از طرفی بهتر بود که زمان



ارائه، کتاب موردنظر در اختیار دانشجویان هم قرار می‌گرفت تا هم مورد تبلیغ واقع شده و هم به نوعی توسط دانشجویان مورد توری قرار گیرد و فضای بهتری در ذهن مخاطب ترسیم شود.

دکتر بیات:

من از همه دوستان و صبر و حوصله‌شان تشکر می‌کنم. هم دوستان ناقد و هم دانشجویان. همه انتقادات را به دیده منت می‌پذیرم و در چاپ بعدی کتاب با توجه به مباحثی که مطرح شد، قطعاً فصل چهارم را حذف خواهم کرد.